



بررسی راهبردهای اخلاقی رسول خدا(ص) در حکمرانی و نقش آن بر همبستگی اجتماعی

حسین جماعتی^۱

چکیده

هدف و روش: این پژوهش با هدف تبیین راهبردهای اخلاقی رسول خدا(ص) در حکمرانی و تحلیل نقش آن بر همبستگی اجتماعی، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، و مطالعه اسنادی منابع اولیه(قرآن، احادیث و متون معتبر سیره نبوی) انجام شد. **یافته‌ها:** موفقیت پیامبر خدا(ص) در ایجاد همبستگی اجتماعی، محصول یک نظام اخلاقی منسجم مبتنی بر انسان‌شناسی قرآنی بود که کرامت ذاتی، فطرت الهی، آزادی و اختیار و ضعفهای وجودی انسان را توأمان در نظر می‌گرفت. الگوی نبوی در سه سطح راهبردی عمل می‌کرد: راهبردهای ارتباطی(معاشرت فعال، ایجاد فضای صمیمی)، راهبردهای انسجام‌بخش(تأسیس نهاد اخوت، ترویج عدالت و مساوات) و راهبردهای هویت‌ساز(تکریم کرامت انسانی، تغییر نامهای ناپسند). این راهبردها تحت حاکمیت اصولی همچون: تقدّم کرامت انسانی، توأمان‌دیدن عدالت و احسان، تعامل فعال دوسویه، عیب‌پوشی و خوش‌بینی اجرا می‌شد. **نتیجه:** اجرای این الگو به دستاوردهای عینی متعددی از جمله تبدیل دشمنی‌های قبیله‌ای به برادری ناگسستگی، ایجاد سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد، شکل‌گیری هویت اسلامی فراقبیله‌ای و تأسیس جامعه‌ای منسجم با وجود تنوع قومی و مذهبی منجر شد. براساس این پژوهش، حکمرانی اخلاقی در سیره نبوی، هنر تبدیل روابط انسانی به فرصتی برای رشد و تعالی است.

واژگان کلیدی: رسول خدا، راهبردهای اخلاقی، حکمرانی اخلاقی، همبستگی اجتماعی، انسان‌شناسی قرآنی.

♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۸

۱. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمی قم؛ استادیار گروه معارف و تربیت دانشگاه فرهنگیان. تهران، ایران.

H.Gamaati@cfu.ac.ir



Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License

An Examination of the Ethical Strategies of the Prophet Muhammad (PBUH) in Governance and Their Role in Social Cohesion

*Hossein jamaati*¹

Abstract

Aim : This study aims to explicate the ethical strategies of the Prophet Muhammad (PBUH) in governance and to analyze their role in fostering social cohesion.

Method: the present survey employs a descriptive–analytical method and relies on documentary research drawing on primary sources, including the Qur'an, hadith literature, and authoritative texts of the Prophetic biography.

Results : The findings indicate that the Prophet's success in creating social cohesion was the outcome of a coherent ethical system grounded in Qur'anic anthropology—one that simultaneously acknowledged intrinsic human dignity, divine innate disposition, freedom and agency, and human existential vulnerabilities. The Prophetic model operated on three strategic levels: communicative strategies (active social engagement and the creation of an intimate social atmosphere), cohesion-building strategies (the establishment of the institution of brotherhood and the promotion of justice and equality), and identity-forming strategies (honoring human dignity and replacing derogatory names). These strategies were implemented under the governance of principles such as the primacy of human dignity, the integration of justice and benevolence, active two-way interaction, concealing others' faults, and positive regard.

Conclusion: The implementation of this model led to tangible outcomes, including the transformation of tribal hostilities into inseparable brotherhood, the formation of trust-based social capital, the emergence of a trans-tribal Islamic identity, and the establishment of a cohesive society despite ethnic and religious diversity. This study demonstrates that ethical governance in the Prophetic tradition is the art of transforming human relationships into opportunities for growth and moral excellence.

Keywords: Prophet Muhammad (PBUH); Ethical Strategies; Ethical Governance; Social Cohesion; Qur'anic Anthropology

¹ . Graduated of the fourth level of the Qom Seminary; Assistant Professor, Department of Education and Training, Farhangian University. Tehran, Iran. H.Gamaati@cfu.ac.ir

الف) مقدمه

مدیریت روابط انسانی، یکی از پیچیده‌ترین عرصه‌های تفکر بشری است که موفقیت در آن، در گرو درک صحیح از «انسان» و چگونگی راهبری روابط و انگیزه‌های اوست. با این حال، تناقضی اساسی در بسیاری از نظریه‌های رایج «حکمرانی» به چشم می‌خورد: از سویی، بر مفاهیمی چون اخلاق، روابط انسانی و رضایت‌مندی تأکید می‌شود و از سوی دیگر، نگاهی ابزاری و کارکردی به انسان، به عنوان عاملی برای افزایش بهره‌وری و سودآوری، در کانون این نظریه‌ها دیده می‌شود. برای مثال، با وجود شعار توجه به رفاه کارکنان، در نهایت انسان را در کنار ماشین و به عنوان «مهم‌ترین عامل تولید» می‌نگرد (ابطحی، ۱۳۷۷: ۳۸). این تقلیل‌گرایی، ریشه در «خلأ معرفتی» عمیق‌تری دارد که همانا نداشتن شناخت جامع از ابعاد چندگانه وجود انسان است. هنگامی که ماهیت پیچیده جسمانی، معنوی، عقلانی و عاطفی انسان به درستی فهمیده نشود، طبیعی است که راهکارهای ارائه‌شده برای حکمرانی روابط او نیز ناتمام و ناکارآمد خواهند بود و پاسخی برای نیازهای حقیقی او ندارند.

در برابر این کاستی نظری، «سیره نبوی» به عنوان الگویی کامل و مبتنی بر وحی، خود را نمایان می‌سازد. الگویی که در آن، «حکمرانی اخلاقی» با مردم، نه بر پایه نگاه تک‌بعدی و ابزاری، بلکه بر اساس شناختی همه‌جانبه از کرامت ذاتی و ابعاد گوناگون انسان استوار شده است. در این نظام فکری-عملی، تأمین رفاه مادی، مقدمه‌ای برای تعالی اخلاقی و رشد معنوی است. برادری ایمانی، جایگزین تبعیضهای قومی و طبقاتی شده و تقوا، معیار برتری افراد می‌شود. این چارچوب، یک «ساختار اخلاقی حکمرانی» را در جامعه طراحی می‌کند که در آن، منزلت انسانی هر فرد پاس داشته می‌شود و او به سوی رفتارهای سازنده هدایت می‌شود.

۱. بیان مسئله اصلی

با پذیرش این دیدگاه که سیره رسول خدا(ص) می‌تواند به عنوان الگویی برای حکمرانی اخلاقی استفاده شود، این پرسش بنیادین مطرح می‌شود که راهبردهای اخلاقی ریشه گرفته از سیره نبوی در روابط انسانی چیست و این راهبردها چه نقشی در تقویت همبستگی اجتماعی ایفا می‌کنند. این مسئله، محور اساسی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد. برای پاسخ به پرسش یادشده، این تحقیق در گام نخست، «جایگاه انسان» را به عنوان مبنای حکمرانی اخلاقی میان افراد جامعه، از منظر قرآن کریم تبیین می‌کند. سپس، با اتکا به این مبانی انسان‌شناختی، و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه اسنادی منابع اولیه (قرآن،

احادیث و متون معتبره سیره نبوی)، به واکاوی و استخراج «راهنماها و روشهای تعاملی» رسول خدا(ص) در مدیریت جامعه نوپای اسلامی می‌پردازد تا الگویی عملیاتی برای تحقق همبستگی اجتماعی در پرتو اخلاق اسلامی ارائه کند.

هدف این تحقیق، دستیابی به درکی عمیق از مفاهیم و ابعاد گوناگون مرتبط با موضوع است. لذا آیات قرآنی و نقلهای مرتبط، بر اساس میزان اهمیت و ارتباطشان با عنوان تحقیق، انتخاب شده‌اند و این فرایند تا رسیدن محقق به نقطه اصلی ادامه یافته است.

۲. پیشینه و نوآوری پژوهش

مهدوی فخر و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «رفتارشناسی پیامبر اکرم(ص) در تعاملات اجتماعی با یهودیان مدینه»، به بررسی جایگاه اجتماعی یهودیان مدینه پرداخته و ویژگی‌های رفتار اجتماعی آنان را بر اساس مستندات قرآنی و اقدامات پیامبر اسلام(ص) مورد تحلیل قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد پیامبر(ص) در تعامل با اقلیتهای دینی، به ویژه یهودیان، بر پایه سه اصل مهم صبر، مدارا و قاطعیت شکل گرفته است.

یافته‌های پژوهش یزدان‌پناه و احسانی (۱۳۹۸) در «بررسی تطبیقی راهبردهای تغییر در عصر پیامبر(ص) و دوران معاصر به منظور پیدایش ارزشها و هنجارهای اسلامی»، حاکی از آن است که تحولات به وقوع پیوسته در عصر پیامبر اسلام(ص) تمامی نظامهای اجتماعی را دچار تأثیرات عمیق کرده و زمینه‌ساز تغییراتی ماندگار شده است. افزون بر این، اصول این تغییرات در این دوره بر پایه احکام و قواعد اسلامی بنا نهاده شده است.

بر اساس پژوهش صباغیان و همکاران (۱۳۹۶)، پیامبر اسلام(ص) در برخورد با منافقان، نهایت تساهل و تسامح را به کار بسته و تا حد ممکن از مجازات آنان چشم‌پوشی کرده و حتی آنان را مجبور به حضور در جنگ نمی‌کرده است. با این حال، در مواقعی که منافقان دست به توطئه می‌زدند، پیامبر(ص) به سرعت نسبت به اقدامات آنها واکنش نشان می‌داد.

نتیجه پژوهش علیاناسب (۱۳۹۴) با عنوان «شیوه پیامبر اکرم(ص) در مدیریت روانی جامعه اسلامی»، نشان می‌دهد که پیامبر(ص) با حفظ اصول اخلاق اسلامی و بدون انحراف از آنها، از روشهای گوناگونی بهره می‌بردند تا جامعه اسلامی را در برابر دشمن، باانگیزه و آماده نگه دارند. ایشان بدون اینکه منابع مادی جامعه را افزایش دهند، توانستند مسلمانان را به قدرتی بسیار تأثیرگذار در منطقه تبدیل کنند.

با توجه به بررسی‌ها و مطالعات انجام‌شده، مقاله جامعی که راهنماهای اخلاقی پیامبر خدا(ص) را با رویکرد حکمرانی اخلاقی و آثار آن بر همبستگی اجتماعی تحلیل کرده باشد،

یافت نشد؛ زیرا بیشتر نوشته‌های انتشاریافته به «رفتار» پیامبر(ص) با منافقان، مشرکان و مخالفان فکری و اعتقادی توجه کرده‌اند. اما در پژوهش حاضر، نگارنده تلاش دارد تا با نگاهی گسترده‌تر به هدف دستیابی به الگویی صحیح برای رفتار حاکمیت در برابر افراد جامعه و مدیریت روابط اخلاقی آنها با یکدیگر، ضمن استنباط مؤلفه‌های کلیدی حکمرانی اخلاقی، الگویی تعاملی بر اساس انسان‌شناسی قرآنی و سیره نبوی را کنکاش کند.

۳. چارچوب نظری: انسان‌شناسی قرآنی و پیوند آن با راهبردهای اخلاقی

مبنای استخراج هرگونه راهبرد اخلاقی از قرآن کریم، شناخت دقیق مخاطب این آموزه‌ها؛ یعنی «انسان» است. لذا توجه به انسان‌شناسی قرآنی به عنوان رویکرد نظری حاکم بر تحلیل راهبردهای اخلاقی، ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، این نگاه می‌تواند چارچوبی را برای استخراج راهبردهای اخلاقی از منابع اسلامی فراهم آورد.

قرآن، با ترسیم تصویری جامع و واقع‌بینانه از انسان، بستری را برای طراحی راهبردهای اخلاقی فراهم می‌کند که همسو با فطرت او و درمانگر ضعفهایش باشد. مراحل احصای محورهای کلیدی انسان‌شناسی قرآنی و پیوند آن با راهبردهای اخلاقی را می‌توان از طریق مطالعه نظام‌مند تصویر انسان در قرآن کریم، شامل ماهیت وجودی، ویژگی‌های ذاتی و اکتسابی، استعدادها، محدودیتها، جایگاه هستی‌شناختی و نقش او در نظام خلقت، در گامهای ذیل برشمرد:

گام اول: گردآوری آیات انسان‌شناختی و دسته‌بندی آنها: با استفاده از تفاسیر موضوعی و نرم‌افزارهای قرآن‌پژوهی، تمامی آیاتی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به توصیف انسان می‌پردازند، شناسایی می‌شوند. مانند آیات مربوط به کرامت ذاتی (اسراء: ۷۰)، فطرت (روم: ۳۰)، اختیار و مسئولیت (انسان: ۳) و ضعفهای انسان (نساء: ۲۸). سپس آیات بر اساس محورهای مفهومی اولیه دسته‌بندی می‌شوند؛ مانند ماهیت وجودی انسان (جسم، روح، عقل، قلب)، ویژگی‌های مثبت (کرامت، فطرت، عقلانیت)، ویژگی‌های منفی (ضعف، عجله، کفران) و نقشهای انسان (خلافت، عبودیت، مسئولیت).

گام دوم: تحلیل محتوا و استخراج مفاهیم کلیدی از هر آیه یا مجموعه آیات مرتبط.
گام سوم: طراحی الگوی نهایی انسان‌شناسی قرآنی (جامعیت): برای دستیابی به جامعیت، الگوی نهایی باید تمام ابعاد وجودی انسان در قرآن را پوشش دهد. این الگو می‌تواند به صورت چهار بُعد اصلی ذیل طراحی شود:

ابعاد	مفاهیم کلیدی (شواهد قرآنی)	نقش در اخلاق
انسان‌شناختی	کرامت ذاتی (اسراء: ۷۰)؛ خلافت الهی (بقره: ۳۰)؛ روح الهی (حجر: ۲۹)	مبنای احترام و تکریم
شناختی - عاطفی	فطرت پاک (روم: ۳۰)؛ عقل و تفکر (بقره: ۱۶۴)؛ قلب و احساسات (حجرات: ۷)	مبنای تربیت و اقناع
ارادی - اختیاری	اراده و انتخاب (کهف: ۲۹)؛ مسئولیت‌پذیری (مدثر: ۳۸)	مبنای تکلیف و بازخورد
آسیب‌شناختی	ضعف (نساء: ۲۸)؛ عجله (اسراء: ۱۱)؛ کفران (ابراهیم: ۳۴)	مبنای مدارا و درمان

گام چهارم: استخراج پیوندها با راهبردهای اخلاقی (مانعیت): برای ایجاد مانعیت، هر مؤلفه انسان‌شناختی باید تنها به راهبردهای اخلاقی مستقیم و ذی‌ربط، از طریق تحلیل پیوند داده شود که در جدول ذیل ترسیم شده است:

مؤلفه انسان‌شناختی	راهبرد اخلاقی مرتبط (مستخرج از سیره)	منطق پیوند (چرایی ارتباط)
کرامت ذاتی	تکریم عملی افراد؛ پرهیز از تحقیر و تبعیض	چون انسان دارای کرامت ذاتی است، راهبرد تعامل باید مبتنی بر احترام باشد.
فطرت پاک	دعوت به نیکی با زبان حکمت؛ تزکیه و تربیت تدریجی	چون فطرت انسان به خوبی گرایش دارد، راهبرد تربیتی باید تحریک فطرت باشد.
آزادی و اختیار	عدم اجبار در عقیده؛ مشورت و مشارکت دادن مردم	چون انسان مختار است، راهبرد حکمرانی باید مبتنی بر اقناع و انتخاب باشد.
ضعف وجودی	عیب‌پوشی و مدارا؛ فرصت‌دهی برای اصلاح	چون انسان ضعف دارد، راهبرد اصلاحی باید درمانگرانه باشد نه تنبیه‌گرانه.

ب) یافته‌های پژوهش

با توجه به روش پیش‌گفته، می‌توان به محورهای کلیدی انسان‌شناسی قرآنی که مستقیماً به اخلاق پیوند می‌خورند، دست یافت.

کرامت ذاتی و مسئولیت پذیری: قرآن با تصریح به کرامت ذاتی انسان: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) و جانشینی او در زمین: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)، پایه هر نظام اخلاقی را بر حرمت نهادن به شخصیت انسان می گذارد. برای نمونه، در حوزه اجتماعی، قرآن راهبردهایی چون عدالت را مطرح می کند که به عنوان ستون اصلی اخلاق اجتماعی، ضامن حفظ حقوق و کرامت انسانهاست. از سوی دیگر، پذیرش «امانت» الهی: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ... وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» (احزاب: ۷۲)، نشان می دهد که انسان موجودی «مسئولیت پذیر» است و راهبردهای اخلاقی قرآن باید او را در ادای این مسئولیت یاری کند. همچنین یادآوری آخرت، با ایجاد حس مسئولیت پذیری و توجه به پیامدهای اعمال، نقش مهمی در جهت دهی رفتارهای اخلاقی دارد.

فطرت الهی، بستر درونی فضیلتها: آفرینش انسان در «أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ» (تین: ۴) و نفخه روح الهی در او، مؤید آن است که گرایش به خوبی ها و حقیقت در فطرت انسان به ودیعه نهاده شده است. در حقیقت؛ راهبردهای اخلاقی قرآنی، مانند دعوت به عدل و احسان، فراخواندن انسان به همان فطرت پاک و الهی خویش است. تزکیه نفس نیز به عنوان راهبردهای بنیادین تربیتی، انسان را از آلودگی های درونی پاک کرده، زمینه ساز رشد اخلاقی می شود.

آزادی و اختیار، پیش شرط تکلیف اخلاقی: برخورداری انسان از موهبت عقل، اراده و اختیار - که آیات متعددی از قرآن بر آن گواهی می دهند (بقره: ۱۶۴؛ دهر: ۳؛ اسراء: ۱۵؛ انبیاء: ۳۵) - مبنای تکلیف و مسئولیت پذیری اخلاقی است. فرض تکلیف در شرایط جبر، ناممکن است؛ زیرا هیچ یک از باید و نبایدهای اخلاقی، بدون آزادی انتخاب، معنادار نخواهند بود. این اصل در عرصه تربیت نیز بازتاب یافته است؛ آنجا که قرآن بر پرورش عقل به مثابه ابزار تمیز حق از باطل تأکید می ورزد و آن را پیش نیاز ایمان آگاهانه و عمل صالح می شمارد. بر این اساس، راهبردهای اخلاقی قرآن، خطاب به موجودی آزاد، خردورز و انتخابگر طراحی شده است.

ضعفها و آسیب پذیری ها، تهدیدی برای فضیلت: قرآن با واقع بینی به ضعفهای انسان: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (نساء: ۲۸)، عجل بودن: «كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (اسراء: ۱۱)، ناسپاسی: «إِنَّهُ لَكَبُورٌ كَفُورٌ» (هود: ۹) و بخل و نگران فقر و تهیدستی: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» (اسراء: ۱۰۰) اشاره می کند. شناخت این آفات درونی، کلید طراحی راهبردهای بازدارنده و درمانگر در اخلاق است. برای مثال، تأکید قرآن

بر شکر (ابراهیم: ۷؛ بقره: ۱۵۲) و صبر (بقره: ۱۵۵؛ زمر: ۱۰)، راهبرد درمانی مستقیم برای ضعفهای «کفران» و «عجله» است.

بنابر این، استخراج راهبردهای اخلاقی در این پژوهش، بر یکی از این ابعاد انسان‌شناختی استوار است.

گفتنی است که برای اعتبارسنجی و رفع ابهام از جامعیت و مانعیت الگو، می‌توان از روشهای ذیل در تحقیقات استفاده کرد:

- بازبینی توسط خبرگان:^۱ ارائه الگو به متخصصان علوم قرآن، تفسیر و اخلاق برای بررسی میزان پوشش‌دهی مفاهیم.
- بررسی انسداد نظری:^۲ ادامه استخراج آیات تا زمانی که هیچ مفهوم جدیدی به دست نیاید.
- مقایسه با الگوهای موجود: مقایسه الگوی استخراج‌شده با نظریات انسان‌شناختی مفسران بزرگ (مانند علامه طباطبایی) برای اطمینان از کامل بودن.
- آزمون کاربردپذیری: بررسی اینکه آیا الگو می‌تواند به عنوان چارچوبی برای تحلیل سایر متون اسلامی (مانند احادیث) نیز به کار رود.

۱. راهبردهای اخلاقی رسول خدا (ص) در روابط اجتماعی

راهبردهای اخلاقی رسول خدا (ص) در روابط اجتماعی، نمونه‌ای بی‌نظیر از حکمرانی اخلاقی است که بر پایه کرامت ذاتی انسان و تعالی جمعی استوار بود. ایشان با به کارگیری رویکردی فعال و نهادساز، صرفاً به صدور فرمان اکتفا نکرده، بلکه با معاشرت مستقیم، ایجاد فضای صمیمانه و تأسیس نهادهایی مانند «پیمان اخوت» و «پیمان مدینه» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۲۱۰؛ ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۴۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹: ۱۳۰)، زیرساختی عاطفی و حقوقی برای انسجام اجتماعی فراهم آورد (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۲۳). این حکمرانی، عدالت و مساوات را با احسان و مدارا پیوند زد و با به رسمیت شناختن تنوع قومی و مذهبی، جامعه‌ای منسجم بر پایه اعتماد متقابل بنیان نهاد.

الگوی حکمرانی پیامبر (ص) نشان می‌دهد که رهبری اخلاقی، هنر تبدیل قدرت به خدمت و روابط انسانی به فرصتی برای رشد متقابل است. موفقیت آن حضرت در تبدیل دشمنی‌های دیرینه به الفت پایدار، گواه کارآمدی این راهبردها در ایجاد «سرمایه اجتماعی» و «همبستگی ساختاریافته» است. مطالعه این سیره، نه تنها برای جوامع اسلامی، بلکه برای هر

1. Expert Review

2. Theoretical Saturation

بررسی راهبردهای اخلاقی رسول خدا(ص) در حکمرانی ... ♦ ۱۵۳

نظام حکمرانی که در جستجوی ایجاد پیوند اجتماعی عمیق و عادلانه است، الگویی زنده و کاربردی ارائه می‌دهد.

رسول خدا(ص) با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی، راهبردهای اخلاقی روشنی را برای سامان‌بخشی به روابط اجتماعی به کار بست که در ادامه بیان می‌شوند.

یک) زمینه‌سازی برای جامعه اخلاق محور

رسول خدا(ص)، با به‌کارگیری مؤثرترین شیوه‌های ارتباطی، اهتمام ویژه‌ای به ایجاد و تقویت پیوندهای اجتماعی داشتند. سیره آن حضرت، نشان می‌دهد که با شناخت دقیق نیازها و دغدغه‌های مردم، مناسب‌ترین الگوهای رفتاری و گفتاری را برای زمینه‌سازی جامعه اخلاق محور ارائه می‌دادند. چنانکه قرآن کریم، این روش را به روشنی ترسیم می‌کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵)؛ «[مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] پرداز». این آیه شریفه، خط مشی کلی رسول خدا(ص) را در روابط اجتماعی مشخص می‌سازد: استفاده از سه روش «حکمت»، «پند نیکو» و «مجادله به بهترین شکل».

حدیث مشهور «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (من تنها برای به کمال رساندن فضایل اخلاقی مبعوث شده‌ام) (طبرسی، ۱۴۱۲: ۸؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۲۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۳: ۱۶)، بر این امر صحه می‌گذارد که محور اصلی رسالت نبوی، تکمیل و تربیت فضائل اخلاقی جامعه بوده است و این هدف، جز در بستر روابط اجتماعی سازنده محقق نمی‌شود.

سیره عملی و منش اجتماعی رسول خدا(ص) زمینه‌ساز گرایش گسترده به اسلام شد. آن حضرت، همواره در میان مردم حاضر می‌شدند و برای تحکیم پیوندهای اجتماعی تلاش می‌کردند. به سخنان مردم گوش می‌سپردند، با آنان گفت‌وگو می‌کردند و فضایی مساعد برای ارتباطات دوسویه فراهم می‌آوردند. برای نهادینه کردن این تعاملات و کاهش موانع ارتباطی، رسول خدا(ص)، به تأسیس «مسجد» به عنوان کانون اصلی حیات اجتماعی اقدام کردند (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۴۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹: ۱۲۵-۱۲۷). «مسجد النبی» در مدینه، تنها محل عبادت نبود؛ بلکه پایگاهی برای پیشبرد اهداف متعالی اسلام در عرصه‌های گوناگون به شمار می‌رفت. این مکان، نقش محوری در اموری همچون اطلاع‌رسانی رویدادهای مهم، آموزش معارف دینی، اتخاذ تصمیمات سیاسی و نظامی، سازماندهی نیروها، ایراد خطبه‌ها و نیز رسیدگی به امور قضایی و حل اختلافات ایفا می‌کرد. بدین ترتیب، مسجد به تجلی‌گاه عینی

راهبرد رسول خدا(ص) در تبدیل تعاملات اجتماعی به فرصتی برای رشد اخلاقی افراد تبدیل شد. (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۲۴۸-۲۵۶؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۳۵-۲۳۰؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۷۰-۲۸۰)

دو) اخوت، احسان و رأفت: هسته مرکزی حکمرانی اخلاقی نبوی

یکی از برجسته‌ترین و مؤثرترین راهبردهای حکمرانی اخلاقی رسول خدا(ص)، تلفیق هوشمندانه سه اصل «اخوت»، «احسان» و «رأفت» در بافت اجتماعی جامعه نوپای اسلامی بود. این سه گانه، صرفاً مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی نبود، بلکه به عنوان یک «الگوی نهادی و عملیاتی» برای مهندسی روابط اجتماعی و ایجاد همبستگی ساختاریافته به کار رفت. پیامبر(ص) با تبدیل فرمان قرآنی «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) به یک اقدام حکومتی ملموس، پیمان برادری میان مهاجران و انصار را منعقد کردند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۲۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹: ۱۳۰). این پیمان، یک راهبرد کلان حکمرانی بود که با ایجاد شبکه‌ای منسجم از پیوندهای فراقبیل‌ای، سرمایه اجتماعی بی‌سابقه‌ای ایجاد کرد و مهاجران را در یک سیستم حمایتی سازمان‌یافته ادغام کرد. تحقق عینی آیه «فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران: ۱۰۳) در پرتو این پیمان، نشان‌دهنده نگاه نظام‌مند و نهادساز پیامبر(ص) در حکمرانی است.

این نهاد نوپای اجتماعی، با روحیه «احسان» و «رأفت» آبیاری می‌شد تا از یک قرارداد صوری به یک «انقلاب اخلاقی» زنده تبدیل شود. فرمان الهی به «تعاون بر برّ و تقوا» (مائده: ۲) و تجلّی اعلای آن در ایثار انصار که قرآن آن را می‌ستاید: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ» (حشر: ۹)، نشان می‌دهد حکمرانی اخلاقی پیامبر، جامعه را به سمت رفتاری فراتر از عدالت قراردادی و به سمت عدالت توزیعی همراه با احسان سوق داد. از سوی دیگر، سیره عملی رسول خدا(ص) به عنوان رهبر جامعه که قرآن او را «رءوفٌ رحیم» (توبه: ۱۲۸) می‌خواند و حدیث مشهور پیوند جسمانی مؤمنان (بی‌هی، ۱۴۴۳، ج ۱۱: ۳۰۸)، الگویی از «حکمرانی مبتنی بر عاطفه و همدلی» را ترسیم می‌کند. در این الگو، حکمران نه فرمانروایی دورافتاده، بلکه جزیی از پیکره جامعه است که درد دیگران را درد خود می‌داند. این تلفیق، «حکمرانی شبکه‌ای» مؤثری را ایجاد کرد که در آن، روابط عمودی حاکم و محکوم در روابط افقی برادری و مسئولیت متقابل حل شده و اعتماد عمومی به عنوان قوی‌ترین پایه حکومت استقرار یافت. بنابر این، سه گان اخوت، احسان و رأفت، یک چارچوب کامل حکمرانی اخلاقی را ارائه می‌دهد که در آن، نهادسازی اجتماعی (اخوت)، تأمین رفاه فراتر از حداقل‌ها (احسان) و رهبری همراه با همدلی (رأفت) در هم تنیده شده‌اند تا جامعه‌ای منسجم، تاب‌آور و متعالی

شکل گیرد. این الگو، پاسخی عملی به یکی از دشوارترین چالشهای حکمرانی؛ یعنی تبدیل «آشنا»های هم قلمرو به «برادران» هم سرنوشت است.

یکی از کلیدی‌ترین راهبردهای اخلاقی رسول خدا(ص) در روابط اجتماعی، احسان، اخوت و رأفت است:

تأسیس اصل «اخوت»، به عنوان یک ارزش اخلاقی: قرآن کریم با بیان «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ» (حجرات: ۱۰)، پیوند برادری را اساس روابط مؤمنان معرفی می‌کند. رسول خدا(ص) این اصل قرآنی را به یک «راهبرد عملی و ارزشی» تبدیل کردند. ایشان با انعقاد اخوت و پیمان برادری میان مهاجران و انصار، با اقدامی اجرایی، جامعه نوپای اسلامی را بر مبنای یک پیوند رفیع اخلاقی و اجتماعی سازماندهی کردند. این پیمان، مهاجران بی‌پناه را از پراکندگی نجات داد و آنان را در شبکه‌ای منسجم از برادران دینی جای داد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۲۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹: ۱۳۰). آیاتی مانند «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران: ۱۰۳) که بر اتحاد و الفت برادری تأکید دارند، در سایه این پیمان معنای عینی یافتند. بنابر این، راهبرد رسول خدا(ص)، تنها توصیه و دستور اخلاقی نبود، بلکه «ایجاد اصل اخوت» برای تحقق عملی همبستگی بود.

ترویج احسان و رأفت: پیمان اخوت، یک قرارداد صوری نبود، بلکه رسول خدا(ص) با راهبردی حکیمانه، آن را با روحیه «احسان و رأفت» عجین کردند تا جامعه‌ای بر مبنای ارزشهای فراتر از عرف، بنیانگذاری کنند. خداوند در قرآن، مؤمنان را به همکاری در نیکی و پرهیزگاری فرامی‌خواند (مائده: ۲). می‌توان گفت پیمان برادری، عالی‌ترین مصداق این تعاون بر محور برّ و تقوا بود. در این میان، انصار با اشتیاق، اموال و زندگی خود را با برادران مهاجرشان تقسیم کردند. قرآن کریم با ستایش این گروه پیشتاز می‌فرماید: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (و دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند) (حشر: ۹). این اقدام، فراتر از یک کمک معمولی، نمونه‌ای اعلای احسان بود که در قرآن به عنوان «أَحْسَنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد) (بقره: ۱۹۵) بر همگان تأکید شده است. (ر.ک: جلالی و همکاران، ۱۴۰۴: ۸۸-۶۳)

از سوی دیگر، پیمان اخوت، آمیخته با رأفت و مهرورزی رسول خدا(ص) بود. ایشان با این اقدام، جامعه نوپای اسلامی را بر اساس روابط عاطفی و برادری ایمانی استوار ساختند. آن حضرت خود اسوه کامل این رحمت و رأفت بودند؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «بِالْمُؤْمِنِينَ

رءُوفٌ رَحِيمٌ» (در برابر مؤمنان، بسیار دلسوز و مهربان است) (توبه: ۱۲۸). این خُلق و خوی نیکو، سرمشق مستقیمی برای صحابه بود. در حدیثی مشهور نیز آمده است: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى» (بیهقی، ۱۴۴۳، ج ۱۱: ۳۰۸)؛ «مثل مؤمنان در دوستی و مهربانی و همدلی با یکدیگر، مانند پیکر واحد است؛ وقتی عضوی به درد آید، دیگر اعضا با بی‌خوابی و تب، با آن همدردی می‌کنند». این حدیث نبوی، جامعه مؤمنان را به پیکری واحد تشبیه می‌کند که در محبت، همدلی و مهربانی با یکدیگر پیوند خورده‌اند. در این تشبیه زیبا، همانگونه که وقتی یکی از اعضای بدن دچار درد و رنج می‌شود، سایر اعضا نیز بی‌قراری کرده، با تب و بی‌خوابی به یاری آن عضو می‌شتابند؛ در جامعه ایمانی نیز هنگامی که فرد یا گروهی دچار مشکل یا مصیبتی شود، دیگر اعضای جامعه به صورت خودجوش و صمیمانه به فریادشان رسیده، با مشارکت فعال در رفع مشکلات می‌کوشند. این حدیث شریف بر مسئولیت جمعی مسلمانان در قبال یکدیگر، ضرورت همدلی اجتماعی و نقش انسجام اسلامی در حفظ سلامت کل جامعه تأکید می‌کند؛ به گونه‌ای که درد و شادی هیچ فردی در جامعه نادیده گرفته نشود. در نتیجه، پیمان اخوت را باید فراتر از یک پیمان‌نامه اجتماعی، یک «انقلاب اخلاقی» به رهبری رسول خدا (ص) دانست که در آن، ارزشهای متعالی احسان و رأفت - که ریشه در فرامین الهی دارند - به عنوان محور اصلی روابط اجتماعی نهادینه شد.

جایگزینی اتحاد ایمانی به جای تعصبات قومی: راهبرد کلان دیگر رسول خدا (ص) در این مسیر، مهار تعصبات قبیله‌ای و قومی بود. آن حضرت، هوشمندانه پیوندهای مبتنی بر نسب و قبیله را که عامل اصلی تفرقه و درگیری بود، به حاشیه راندند و «برادری دینی» را به عنوان کانون وفاداری و هویت‌سازی جامعه جدید مطرح کردند. نمونه عالی این راهبرد، ایجاد پیمان بین اوس و خزرج (انصار) و نیز بین آنان و مهاجران بود که دشمنی‌های دیرینه را به برادری تبدیل کرد. (جعفریان، ۱۳۸۵: ۲۳۳)

سه) ایجاد فضای صمیمی و درک متقابل

رسول خدا (ص) با در نظر گرفتن سطح فکری، نیازها و دغدغه‌های مخاطبان، فضایی سرشار از درک متقابل ایجاد می‌کردند. برای مثال، آن حضرت هرگز خود را از مردم جدا نمی‌دانستند و حتی در گفتگوهای معمولی درباره آخرت، دنیا یا خوراکی‌ها، همراه امت بودند. زید بن ثابت در این باره روایت می‌کند: «هرگاه در حضور رسول خدا صحبت از آخرت می‌شد، ایشان نیز با ما درباره آخرت سخن می‌گفتند. اگر موضوع بحث دنیا بود،

بررسی راهبردهای اخلاقی رسول خدا(ص) در حکمرانی ... ♦ ۱۵۷

ایشان نیز درباره دنیا صحبت می کردند. حتی زمانی که گفتگوی ما درباره خوراکی ها و نوشیدنی ها بود، باز هم همراهی می کردند و با ما هم صحبت می شدند» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۱). این رفتار، الگویی عملی برای ایجاد احترام و تواضع متقابل در روابط اجتماعی است.

رسول خدا(ص) با تعالیم خود، مؤمنان را به صورت فعالانه به استمرار در دوستی و پرهیز از قطع روابط دعوت می کردند. ایشان بر حفظ آبروی برادر دینی، دوری از کینه و دشمنی، و پشتیبانی از یکدیگر در روزهای سخت تأکید داشتند و مؤمنان را «یاوران و پشتیبانان یکدیگر» معرفی می کردند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۶۵-۱۶۹). برای مقابله با رذایل اخلاقی همانند دورویی و کینه توزی و جایگزینی آن با صفا و صمیمیت، پیامبر(ص) بر انجام اعمال ساده، اما عمیقاً تأثیرگذاری مانند «سلام کردن»، «مصافحه» و «در آغوش گرفتن» تأکید می ورزیدند. این رفتارها که نشان دهنده احترام و مهر قلبی اند، به صورت عینی به تقویت دوستی و وحدت کمک کرده، زمینه ساز محو دشمنی های گذشته می شدند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۲۴-۲۳۲). این دستورات، راهبردی برای ایجاد فضای درک متقابل است.

چهار همزیستی سازنده

رسول خدا(ص) با ورود به مدینه، با چالش تنوع گسترده قومی و مذهبی (شامل قبایل مختلف یهود، مشرکان و مسلمانان) مواجه شدند. آن حضرت به جای تحمیل عقیده یا رویارویی، راهبرد اخلاقی «تدوین پیمان عمومی» را در پیش گرفتند (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۳۴۸؛ غزالی، ۱۴۲۷: ۱۹۰-۱۹۷). این پیمان که یکی از نخستین اسناد حقوقی و اجتماعی در اسلام است، نمونه ای متعالی از تعامل اخلاقی با غیر هم کیشان محسوب می شود. مؤلفه های اخلاقی راهبرد این همزیستی سازنده، عبارتند از:

به رسمیت شناختن حقوق و هویت دیگران: پیامبر خدا(ص) در این پیمان، حقوق اقلیتهای دینی را به رسمیت شناختند و برای آنان در کنار امت اسلامی، موقعیتی قانونمند تعریف کردند. این اقدام، تجلی اخلاقی «احترام متقابل» و دوری از تحقیر یا نادیده گرفتن دیگران است.

تضمین آزادی های مذهبی: بر اساس این پیمان، اهل کتاب از آزادی کامل در انجام آیینهای مذهبی خود برخوردار شدند. این موضوع، نشان دهنده راهبرد اخلاقی بردباری دینی در برابر عقاید دیگران و پرهیز از اجبار و سلب اختیار از آنهاست. «آزادی کامل»، به معنای آزادی مدرن و فردگرایانه امروزی نیست، بلکه به معنای خودمختاری کامل جماعت دینی در اداره امور مذهبی و شخصی خود است. این شیوه، ثبات و یکپارچگی اجتماعی ایجاد

می‌کند؛ یعنی با دادن حقوق و تضمینهای قانونی به اقلیتها، دولت اسلامی از تنشهای دائمی و شورشهای احتمالی جلوگیری کرده و آنها را به شهروندان وفادار و سازنده تبدیل می‌کند.

تأکید بر عدالت به عنوان محور وحدت: محور اصلی پیمان مدینه، ایجاد «عدالت اجتماعی» برای تمامی شهروندان، فارغ از دین و قومیت آنان بود. رسول خدا(ص) با این کار نشان دادند که بنیان یک تعامل اجتماعی موفق، «انصاف» است و «اتحاد در چارچوب عدالت» می‌تواند جایگزین «نزاعهای قومی و مذهبی» شود. (ر.ک: ابوهلال عسکری، ۱۴۰۸، ج ۱: ۳۶؛ قلشندی، بی‌تا، ج ۱: ۴۶۶؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۶۸-۳۶۵)

بنابر این، راهبرد اخلاقی رسول خدا(ص) در این باره، فراتر از یک تصمیم سیاسی، «ارائه الگویی عملی برای مدیریت تنوع و تعامل سازنده با جامعه‌ای متکثر» است. ایشان با تکیه بر اصول اخلاقی، مانند احترام، عدالت و آزادی، بستری را فراهم آوردند که در آن «همزیستی سازنده و بدون اصطکاک»، نه به معنای نادیده گرفتن تفاوتها، بلکه به معنای «مدیریت این تفاوتها در سایه قانون و اخلاق» تحقق یافت.

۵. عدالت و مساوات

رسول خدا(ص)، «عدالت و مساوات» را نه تنها یک ارزش نظری، بلکه به عنوان راهبردی اخلاقی و عملی در تمامی عرصه‌های روابط اجتماعی به کار می‌بستند. آن حضرت در جامعه‌ای با ساختارهای طبقاتی و تبعیض‌آمیز جاهلی، با اجرای عینی این اصل، بنیان روابط اجتماعی را بر انصاف و برابری استوار کردند. مؤلفه‌های اصلی این راهبرد را می‌توان موارد ذیل دانست.

پرهیز از تبعیض و برتری‌جویی: در سیره رسول خدا(ص)، عواملی همچون: نژاد، ثروت، مقام و قبیله، مبنای برتری افراد نبود. آن حضرت با بیان اینکه «مردم مانند دندانه‌های شانه برابرند» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۶۸) و تأکید بر اینکه «هیچ برتری برای عرب بر غیر عرب و برای سرخ‌پوست بر سیاه‌پوست نیست، مگر به پایه تقوا» (کراجکی، ۱۳۹۴: ۲۱)، «چارچوبی اخلاقی» برای تعاملات بشری تعریف کردند که در آن، کرامت انسانی محور اصلی است.

عینیت‌بخشیدن به عدالت در حوزه خانواده و جامعه: رسول خدا(ص) عدالت را به حوزه‌های خصوصی و عمومی کشاندند و آن را به روابط کلان اجتماعی محدود نکردند. توصیه پیامبر خدا(ص) به رعایت انصاف حتی در میان فرزندان - «با فرزندان خود با عدالت رفتار کنید، همان‌گونه که انتظار دارید دیگران با شما به نیکی و لطف رفتار کنند» (مجلسی،

بررسی راهبردهای اخلاقی رسول خدا(ص) در حکمرانی ... ♦ ۱۵۹

۱۴۰۳، ج ۱۰۱: ۹۲) - نشان می‌دهد که عدالت به عنوان یک راهبرد اخلاقی باید از کوچک‌ترین واحد جامعه آغاز شود.

هم‌نشینی و تعامل عادلانه با تمام اقشار: رسول خدا(ص) به صورت عملی با اجتناب از تبعیض میان فقیر و ثروتمند، اصل «تعامل عادلانه با تمام اقشار» را در رفتار اجتماعی نهادینه کردند. این روایت که «رسول خدا(ص) با فقرا هم‌نشینی می‌کرد و با مساکین هم‌سفره می‌شد» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۴۶)، گواه بر این مدعاست که راهبرد اخلاقی ایشان، شامل همه انسانها بدون در نظر گرفتن جایگاه اقتصادی می‌شد.

بنابر این، الگوبرداری از این رویکرد مرقی پیامبر خدا(ص) باعث می‌شود تا همه افراد، صرف نظر از دین و باور، احساس کرامت و ارزش برابر کنند. راهبرد عدالت و مساوات در سیره نبوی، تنها یک شعار نیست؛ بلکه الگویی عملی برای اداره جامعه مبتنی بر اخلاق است که تفاوتها را به رسمیت می‌شناسد، اما آنها را مبنای امتیاز و برتری قرار نمی‌دهد.

شش) احترام به حقوق شهروندان و تکریم متقابل

رسول خدا(ص) «احترام فعال به حقوق افراد» را سنگ بنای حکومت و محور اساسی تعاملات اجتماعی قرار دادند. آن حضرت، با پایبندی عملی به قانون و عدالت، نه تنها امنیت و آرامش روانی را در جامعه نهادینه کردند، بلکه «تکریم متقابل» را به عنوان راهبردی اخلاقی برای حفظ کرامت انسانی و انسجام اجتماعی ترویج کردند. مؤلفه‌های کلیدی این راهبرد اخلاقی به شرح ذیل است.

تأسیس قوانین حکومتی به مثابه بستر احترام: رسول خدا(ص) با بنیان‌نهادن حکومتی مبتنی بر قوانین الهی، بستری ایجاد کردند که در آن همه شهروندان، فارغ از دین و قومیت، در پناه قانون، مورد احترام و حمایت قرار می‌گرفتند. این رویکرد، عملاً «برتری جویی قومی و ملی» را بی‌محتوا و «احترام مبتنی بر شهروندی» را جایگزین آن کرد.

تبیین حقوق متقابل به عنوان منشور اخلاقی تعامل: راهبرد رسول خدا(ص) تنها در وضع قانون خلاصه نمی‌شد. آن حضرت، با توضیح و تبیین حقوق متقابل و عینی افراد در جامعه، از قانون یک «منشور اخلاقی» برای تعامل روزمره ساختند. برای نمونه، با بیان حقوق برادرانه مؤمنان بر یکدیگر، الگویی عینی از یک شبکه اجتماعی مبتنی بر احترام و مسئولیت‌پذیری ارائه دادند. این حقوق شامل این موارد است: الف) احترام عاطفی: مهربانی در زمان ناراحتی؛ ب) احترام اجتماعی: دفاع از آبرو در برابر بدگویان؛ ج) احترام اخلاقی: خیرخواهی

همیشگی، پوشش لغزشها و پذیرش عذر؛ د) احترام عملی: کمک‌رسانی در مشکلات. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲: ۲۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۲۳۷)

ترغیب جامعه به فرهنگ‌سازی احترام: رسول خدا(ص) با ترغیب همگان به رعایت این حقوق، در پی نهادینه کردن فرهنگ احترام بودند. این امر نشان می‌دهد که راهبرد پیامبر(ص) صرفاً یک دستور عمودی از حاکم به مردم نبود، بلکه فراخوانی عمومی برای تعاملی احترام‌آمیز و دوسویه بین تمام اعضای جامعه بود.

در نتیجه، این رویکرد جامع باعث شد «احترام» از یک مفهوم انتزاعی به الگویی زنده و عینی در مدیریت جامعه تبدیل شود. احترام به حقوق شهروندی، زمینه‌ساز اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی و در نهایت، تأسیس تمدنی می‌شود که در آن، کرامت انسانها محور تمامی قوانین و تعاملات خواهد بود.

هفت) تعلیم و تربیت نیروی انسانی متخصص

بر اساس سیره نبوی، تعلیم و تربیت صرفاً به عنوان یک فرایند آموزشی نیست؛ بلکه به مثابه یک راهبرد اخلاقی و اجتماعی کلان برای تضمین آینده امت اسلامی محسوب می‌شود. رسول خدا(ص) با بینشی آینده‌نگر، پرورش نیروی انسانی شایسته و متخصص را اساس تحقق جامعه‌ای پویا و عادلانه می‌دانستند. با توجه به تحلیل اخذ شده از منابع اسلامی، مؤلفه‌های کلیدی این راهبرد اخلاقی به شرح ذیل است.

تربیت عمومی و ترویج فرهنگ دانش‌محوری: راهبرد رسول خدا(ص) با ایجاد یک فضای آموزشی فراگیر و همگانی آغاز می‌شد. آن حضرت، همواره بر آغاز کارها بر پایه دانش و خردورزی تأکید داشتند و مردم را از اقدامات غیر عاقلانه و عجولانه باز می‌داشتند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۲۳). این تعلیمات به هیچ مکان و زمانی محدود نیست و حتی در شرایط دشوار جنگ و سفر نیز جریان دارد، که نشان از اولویت مطلق تربیت در تمام تعاملات اجتماعی در سیره نبوی دارد.

پرورش نخبگان و تربیت مدیران حکومتی: در کنار تربیت عمومی، رسول خدا(ص) به صورت هدفمند و نظام‌مند به شناسایی و پرورش استعدادها در خشان و نخبگان برای تصدی مسئولیتهای حساس می‌پرداختند. تربیت افرادی مانند سلمان فارسی و مقداد بن اسود (ابن اثیر جزری، ۱۴۰۹، ج ۴: ۴۷۵-۴۷۸؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۲: ۶۳۴-۶۳۸)، نمونه‌ای از این راهبرد هوشمندانه برای ساخت کادر رهبری بود.

الگوسازی اخلاقی و مدیریت مشارکتی: بر اساس سیره نبوی، در فرایند تربیت نیرو، تنها نباید به آموزش نظری بسنده کرد؛ بلکه باید با رفتار و اخلاق، الگوی عملی مدیریت آموزش داده شود. مشارکت مستقیم رسول خدا(ص) در کارهای دشوار، مانند حفر خندق و توصیه به همراهی با کارگران(نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۴۵۹)، درسی عملی از «مدیریت مبتنی بر همدلی، عدالت و نظارت مستقیم» است که روحیه کار جمعی و مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند.

تربیت جانشین و تضمین تداوم راهبرد اخلاقی: مهم‌ترین جلوه این راهبرد، آماده‌سازی امام علی(ع) برای رهبری آینده جامعه بود. با استناد به وقایع تاریخی و روایی مهمی مانند غدیر، يوم الدار و جانشینی در جنگ تبوک(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۹۴؛ ابن حنبل شیبانی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۷۱؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۴۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۹۲)، رسول خدا(ص) به وضوح نشان دادند که تضمین تداوم حکومت مبتنی بر اخلاق، از اصلی‌ترین دغدغه‌های راهبردی محسوب می‌شود.

این نظام تربیتی یکپارچه و هوشمند، باعث شد جامعه نوپای اسلامی در زمانی کوتاه به سرمایه انسانی عمیق و متعهدی دست یابد که توانستند تمدن اسلامی را پایه‌ریزی کنند. بنابر این، راهبرد پیامبر خدا(ص) در تعامل با افراد، تربیت «انسانهای شایسته» برای ساختن «جامعه‌ای شایسته» بود.(ر.ک: عباسی و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۶-۲۹)

هشت) یکپارچگی اخلاقی و صداقت

در سیره رسول خدا(ص)، «یکپارچگی اخلاقی»(هماهنگی کامل گفتار، رفتار و نیت)، فضیلت فردی و راهبرد کلیدی برای ایجاد اعتماد و انسجام اجتماعی، قرار محسوب می‌شود. آن حضرت با تجسم عینی ارزشهایی مانند صداقت، فروتنی و ساده‌زیستی، این اصول را از مفاهیمی انتزاعی به الگوهای زنده و قابل اجرا در تعاملات روزمره تبدیل می‌کردند. مؤلفه‌های اصلی این راهبرد اخلاقی در سیره نبوی را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد.

خودسازی: رهبری رسول خدا(ص) بر پایه «تعهد عملی» پیش از «توقعات گفتاری» استوار بود. پیامبر(ص) با دوری از هرگونه تکبر، ریاکاری و خودبرتربینی، به جامعه آموختند که اقتدار واقعی رهبر، نه در تجملات و تشریفات، بلکه در صداقت و نزدیکی به مردم ریشه دارد. فرمایش آن حضرت که «من بنده‌ای از بندگان خدایم...»(استرآبادی، ۱۴۰۹: ۴۷۳)، نماد این راهبرد برای زمینی کردن رهبری و شکستن قالبهای طبقاتی در جامعه است.(ر.ک: طهماسبی بلداجی، ۱۴۰۳: ۱۴۰-۱۱۹)

الگوسازی عینی برای ساده‌زیستی و همدلی: رفتارهای عملی پیامبر خدا(ص) مانند نشستن روی زمین، غذاخوردن به ساده‌ترین شکل و تعمیر لباس و کفش توسط خود(سید

رضی، ۱۴۱۴: ۲۲۸)، یک پیام راهبردی داشت: فاصله‌گیری از مادیات و زندگی اشرافی، شرط لازم برای درک واقعی مشکلات مردم و ایجاد ارتباطی صمیمانه و مؤثر است. این رفتارها، زبان عملی «همدلی» است.

پالایش فرهنگی و مبارزه با نفاق اجتماعی: رسول خدا(ص) به صورت فعالانه جامعه را از رفتارهای تصنعی و نفاق‌آمیز نهی می‌کردند. این امر، علاوه بر توصیه اخلاقی، راهکاری اساسی برای سالم‌سازی فضای تعاملات اجتماعی به شمار می‌رود. پیامبر خدا(ص) با ترویج «واقع‌گرایی و عقلانیت» در روابط، بستری ایجاد کردند که در آن «اعتماد» به عنوان سرمایه اصلی جامعه نهادینه شود.

این یکپارچگی اخلاقی و صداقت، باعث شد پیامبر خدا(ص) سرمایه اجتماعی بی‌بدیلی به دست آورد. مردم نه از روی اجبار، که از سر اعتماد عمیق به صداقت و خلوص نیت ایشان، جذب دین و رهبری او شدند. بنابر این، اساس تعامل اجتماعی موفق، «اعتماد» است و اعتماد تنها در سایه یکپارچگی اخلاقی و صداقت رهبران با اعضای جامعه امکان‌پذیر می‌شود.

نه) معاشرت فعال و مشارکت اجتماعی

پیامبر خدا(ص) «حضور در بطن جامعه و معاشرت فعال با مردم» را به عنوان یک راهبرد اخلاقی اساسی برای رهبری و مدیریت اجتماعی به کار می‌بستند. این راهبرد، پاسخی عینی به فرمان الهی بود: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (حجر: ۸۸) و هدف نهایی آن، زدودن فاصله‌های طبقاتی، ایجاد اعتماد و تأسیس جامعه‌ای بر پایه محبت و مشارکت بود. مؤلفه‌های کلیدی این راهبرد اخلاقی به شرح ذیل‌اند.

زدودن هیبت کاذب و ایجاد فضای گفتگوی آزاد: بر خلاف رویه رایج حکمرانان، پیامبر(ص) عامدانه و با راهبردی مشخص، هیبت ناشی از مقام رهبری را کاهش می‌دادند. ایشان با بیان «من بنده‌ای از بندگان خدایم» (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۴۷۳) و نهی از رفتارهای اغراق‌آمیز (مانند برخورد ملتهای دیگر با پادشاهان)، فضای امن روانی برای تعامل ایجاد می‌کردند. حتی با شوخی‌های بجا (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸: ۴۰۷)، این پیام راهبردی را منتقل می‌کردند که رهبری موفق، در گرو دسترسی‌پذیری و ایجاد فضایی بدون ترس برای بیان مشکلات است.

هم‌نشینی و همراهی همه‌جانبه با آحاد مردم: این راهبرد، تنها به حضور فیزیکی محدود نمی‌شد. پیامبر(ص) در سفرها همراه مردم بودند، با آنان هم‌غذا می‌شدند و چنان با فروتنی رفتار می‌کردند که هیچ کس خود را فرودست احساس نمی‌کرد. این «همراهی عملی»، تجلی

بررسی راهبردهای اخلاقی رسول خدا(ص) در حکمرانی ... ♦ ۱۶۳

عینی آیه «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ...» (توبه: ۱۲۸) بود و نشان می‌داد اساس حکمرانی اخلاقی، «همدلی» و «درک مستقیم مسائل مردم» است.

گسترش دایره احترام: راهبرد معاشرت پیامبر(ص) همه‌شمول بود. ایشان دایره احترام و توجه خود را به گروه‌های مختلف، از دوستان و یاران گرفته تا دشمنان، کودکان، اسیران و حتی غیر مسلمانان، گسترده کرده بودند. پرس‌وگو از حال غایبان، عیادت از فرد یهودی آزاردهنده، احترام به جنازه یک یهودی و کوتاه کردن نماز برای آرامش مادر و کودک (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۵: ۳۹-۴۵)، همگی اجرای عینی حقوق متقابل شهروندی و کرامت ذاتی انسان است، فارغ از هر دین و عقیده‌ای.

این مجموعه از رفتارهای به ظاهر ساده اما عمیقاً حساب‌شده، در کنار هم «سرمایه اجتماعی بی‌بدیل» و «پایگاه مردمی استوار» برای پیامبر(ص) ایجاد کرد. ایشان با این راهبرد ثابت کردند که کارآمدترین ابزار رهبری و «انسان‌سازی»، نه دستور و فرمان، بلکه «الگوسازی عملی» و «معاشرت صادقانه» با مردم است. تصویر نهایی، حکومتی بود که رهبر آن، خود یکی از مردم و در خدمت آنان بود.

ده) ارج نهادن و تقویت هویت

رسول خدا(ص) کرامت ذاتی انسان را به عنوان اصل اساسی و آموزه‌ای الهی باور داشتند و آن را ارج می‌نهادند. ایشان با اهتمام فراوان و ترویج اصول اسلامی، افراد را به درک جایگاه والای انسانی و کرامت نهفته در وجودشان رهنمون می‌ساختند. این اقدامات در راستای هدایت جامعه به مسیری درست و ایجاد فضایی سرشار از صلح و آرامش، و دور از تنش بود تا هر فرد بتواند به «کرامت اکتسابی» شایسته شخصیت انسانی و هویتی مطلوب دست یابد. با تأکید بر صداقت، راستگویی، رفتار مهرآمیز، پوشاندن عیبه‌ها، به کارگیری ظرفیت افکار عمومی و مشورت با دیگران، ایشان بستری مناسب برای تقویت فکر، باورهای دینی و اندیشه‌های اسلامی فراهم کردند. این مجموعه اقدامات سازنده، به تربیت انسانهای اصیل و دارای کرامت انجامید. روش تربیتی پیامبر خدا(ص) در زمینه تکریم و رشد شخصیت افراد را می‌توان در چهار محور اصلی ذیل خلاصه و بررسی کرد:

عیب‌پوشی و فرصت‌دهی: رویکردی سازنده به خطاها: رسول خدا(ص) با رویکردی کریمانه، همواره بر حفظ آبرو و حرمت افراد تأکید داشتند. ایشان در اصلاح اشتباهات، روشهای دوستانه و ملاطفت‌آمیز را برمی‌گزیدند و از هر رفتاری که موجب هتک حرمت یا آشکار شدن عیوب می‌شد، پرهیز می‌کردند. غیبت و بدگویی را منع می‌کردند و به یاران

توصیه می کردند عیوب یکدیگر را نزد ایشان بازگو نکنند تا با دلی آسوده و قلبی خالی از کدورت به دیدار آنان بشتابند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۳۰)

ایشان با تأسی به آموزه های قرآن، مشی مدارا و اغماض را در تعامل با افراد، به ویژه کافران و خطاکاران پیشه کردند. با استناد به آیه «فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُؤْيَا» (طارق: ۱۷)، به کافران فرصت اصلاح می دادند و با الهام از آیه «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف: ۱۹۹)، با مدارا و پذیرش عذر خطاکاران، آنان را به کارهای نیک دعوت می کردند. این رویکرد جذب گرا و اصلاح محور که در تعامل با یاران و مخالفان آشکار بود، با تقویت اعتماد و ایجاد آرامش اجتماعی، به گسترش صلح و دوستی و کاهش کینه و دشمنی می انجامید.

پیامبر خدا (ص) در تعاملات اجتماعی، با گشاده رویی و خوش خلقی حمایت گرانه، فضایی ایجاد می کردند که مخاطب را به گفتگویی سازنده ترغیب می کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۰۳). در این فضا، مخاطب از احساس تویخ یا گناه مبرا بود و می توانست بدون واهمه، خواسته های خود را به صراحت بیان کند (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱: ۱۰۰؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۹۵-۳۹۴). این رویکرد، زمینه ساز ارتباطی مؤثر و مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل بود.

خوش بینی و مثبت اندیشی: پیامبر خدا (ص) همواره نگاهی مثبت به گفتار و رفتار دیگران داشتند؛ تا آنجا که منافقان، این نگرش را به ساده لوحی تعبیر می کردند: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَعْدٌ» (توبه: ۶۱). آنان یکی از ویژگی های برجسته پیامبر (ص) را نقطه ضعف می پنداشتند؛ در حالی که غافل از این حقیقت بودند که رهبر محبوب باید با مهربانی و شفقت رفتار کند، خطاها را بپذیرد و از آشکارسازی نقصها خودداری کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۸: ۱۵)

در مکتب پیامبر (ص)، آموزه هایی مانند امید به رحمت الهی، داشتن دید مثبت به دیگران و توکل بر خدا، بیانگر روحیه مثبت گرایی ایشان است. ایشان از هر عاملی که این روحیه را تضعیف می کرد، اجتناب می ورزیدند و به فال نیک، ارزش می نهادند (ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۹: ۳۷۴؛ شعیری، بی تا: ۹۹، ۱۱۷). این روحیه امیدواری و خوش بینی باعث می شد اطرافیان با آرامش و اطمینان خاطر با ایشان ارتباط برقرار کنند؛ زیرا مطمئن بودند رفتارهای ناخوشایند گذشته، مانع بخشش و خوش رفتاری پیامبر (ص) نخواهد بود. (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۱۸؛ ابن حنبل شیبانی، ۱۴۲۱، ج ۳۲: ۱۷۱؛ ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۲۹۵)

مدارا و مهرورزی: تعاملات اجتماعی پیامبر خدا (ص) همواره با رفق و مدارا همراه بود. رفتار صمیمانه ایشان چنان تأثیری داشت که خداوند آن را از عوامل موفقیت

بررسی راهبردهای اخلاقی رسول خدا(ص) در حکمرانی ... ♦ ۱۶۵

برمی شمارد: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ» (آل عمران: ۱۵۹). امام علی(ع) نیز بر این شیوه رفتاری صحه گذاشته و فرموده‌اند: «پیامبر(ص) به هر کسی - کوچک و بزرگ - سلام می کرد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸: ۳۶۴؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۶) و هرگز در هنگام دست دادن، زودتر از طرف مقابل دست خود را رها نمی ساخت. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۸۲)

تغییر نامهای ناپسند و هویت سازی: یکی از راهبردهای شگفت انگیز پیامبر(ص) برای شخصیت دهی به افراد، جایگزینی نامهای نیک به جای نامهای زشت بود؛ از جمله: تغییر «عبد الشمس» به «عبدالله» و «عبد الشر» به «عبد الخیر» (حمیری، ۱۴۱۳: ۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵: ۱۸۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۳۳۰). این اقدام ساده، انگیزه‌ای برای ترک رفتار ناشایست و سازگاری با هویت جدید بود. همچنین، تغییر نام قبایل و مکانها (مانند تغییر «یثرب» به «طیبه» و معرفی «انصار» و «مهاجرین») به فراموشی خاطرات ناخوشایند دوران جاهلی و تقویت هویت اسلامی کمک شایانی کرد؛ زیرا فرهنگ و تفکر افراد به نام شهر و قبیله‌شان گره خورده بود. (خرگوشی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۴۱۰؛ مقدسی، ۱۳۷۴: ۶۱۷)

ج) نتیجه گیری

این پژوهش با هدف تبیین راهبردها و مؤلفه‌های حکمرانی اخلاقی رسول خدا(ص) در روابط انسانی و تحلیل آثار آن بر همبستگی اجتماعی، با اتکا به روش تحلیل مضمون منابع قرآنی و سیره نبوی، به یافته‌های متعددی دست یافته است که در چارچوب یک الگوی جامع تعاملی قابل ارائه است. یافته‌های کلیدی پژوهش به شرح ذیل است.

۱. مبنای انسان‌شناختی: راهبردهای اخلاقی رسول خدا(ص) بر پایه‌ای از «انسان‌شناسی قرآنی» استوار بود که در آن، کرامت ذاتی، فطرت الهی، آزادی و اختیار و نیز ضعفهای وجودی انسان، به صورت توأمان دیده شده است. این نگاه جامع، موجب طراحی راهبردهایی شد که همسو با فطرت انسان و درمانگر ضعفهای او بود.

۲. الگوی نظام‌مند راهبردی: سیره نبوی در حوزه تعامل اجتماعی، مجموعه‌ای منسجم و چندلایه از راهبردها را ارائه می‌دهد که در سطوح خرد (رفتار فردی)، میانی (نهادسازی) و کلان (مهندسی اجتماعی) عمل می‌کنند. این راهبردها شامل موارد ذیل است:

راهبردهای ارتباطی: ایجاد بستر مناسب برای تعامل، معاشرت فعال و ایجاد فضای

صمیمی؛

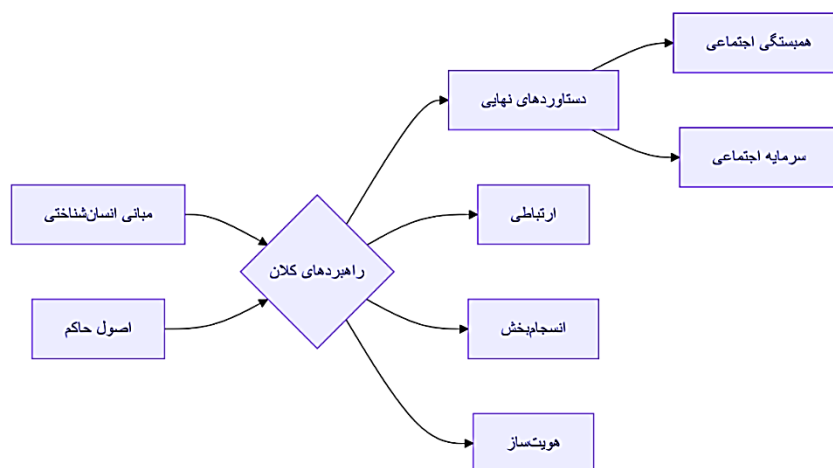
راهبردهای انسجام‌بخش: تأسیس نهاد اخوت، تحکیم روابط بر پایه احسان و رأفت، و ترویج عدالت و مساوات؛
راهبردهای هویت‌ساز: ارج نهادن به کرامت انسانی، تغییر نامهای ناپسند و تقویت هویت اسلامی؛

راهبردهای مدیریت تنوع: همزیستی سازنده با اقلیتها از طریق پیمان‌نامه‌های عادلانه؛
راهبردهای تربیتی: تعلیم و تربیت نیروی انسانی متخصص و تبیین حقوق متقابل.
۳. کارکرد یکپارچه راهبردها: این راهبردها در یک سیستم به هم پیوسته عمل می‌کردند؛ به گونه‌ای که «عدالت»، بستر قانونی تعاملات را فراهم می‌ساخت؛ «احسان و مهرورزی» به آن روح اخلاقی می‌بخشید و «اخوت»، آن را در قالب نهادی مستحکم می‌کرد.
۴. اصول راهبردی مشترک: تمامی این راهبردها از اصول مشترک ذیل پیروی می‌کردند:
اصل تقدّم کرامت انسانی بر هرگونه مصلحت‌اندیشی؛
اصل توأمان‌دیدن عدالت و احسان؛
اصل تعامل فعال و دوسویه با مردم؛
اصل عیب‌پوشی و فرصت‌دهی برای اصلاح؛
اصل خوش‌بینی و مثبت‌نگری به ظرفیتهای انسانی.
۵. دستاوردهای الگوی نبوی در همبستگی اجتماعی: اجرای این راهبردها در جامعه نوپای اسلامی به دستاوردهای عینی متعددی منجر شد:
تبدیل دشمنی‌های دیرینه قبیله‌ای به برادری ناگسستنی؛
ایجاد سرمایه اجتماعی بی‌بدیل بر پایه اعتماد عمومی؛
شکل‌گیری هویت جدید اسلامی فراقبیله‌ای؛
تأسیس جامعه‌ای منسجم با وجود تنوع قومی و مذهبی؛
تربیت نیروی انسانی متعهد و شایسته برای تداوم نظام اسلامی.

۶. جمع‌بندی نهایی: این پژوهش نشان می‌دهد که موفقیت رسول خدا(ص) در ایجاد همبستگی اجتماعی، نه ناشی از اقدامات پراکنده، بلکه محصول «نظام اخلاقی منسجمی» بود که بر «شناخت واقع‌بینانه از انسان» استوار شده و در «راهبردهای عملیاتی چندسطحی» تجلی یافته بود. الگوی تعامل اجتماعی نبوی، حکمرانی اخلاقی را نه به مثابه مجموعه‌ای از دستورات انتزاعی، بلکه به عنوان «هنر تبدیل روابط انسانی به فرصتی برای رشد و تعالی» تعریف می‌کند.

۱۶۷ ❖ بررسی راهبردهای اخلاقی رسول خدا(ص) در حکمرانی ...

نمودار ذیل، تحلیل مختصری از الگوی نبوی استوار بر مبانی انسان‌شناختی است و با راهبردهای سه‌گانه در سایه اصول اخلاقی به همبستگی اجتماعی منجر می‌شود.



الگوی نبوی راهبردهای اخلاقی حکمرانی

منابع

- قرآن مجید.
- ابطحی، سید حسین (۱۳۷۷). مدیریت منابع انسانی. تهران: پیام نور.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن اثیر جزری، علی بن ابی الکرم (۱۴۰۹ ق). أسد الغابه. بیروت: دارالفکر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق). عیون أخبار الرضا (ع). تهران: جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۲۴ ق). فتح الباری (شرح صحیح البخاری). بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حنبل شیبانی، احمد بن محمد (۱۴۲۱ ق). مسند الإمام أحمد بن حنبل. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق). تحف العقول عن آل الرسول (ص). قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ ق). مناقب آل ابی طالب (ع). قم: علامه.
- ابن عبدالبر، أبو عمر یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ ق). الاستیعاب فی معرفه الأصحاب. بیروت: دار الجیل.
- ابن هشام حمیری، عبدالملک (بی تا). السیره النبویه. بیروت: دار المعرفه.
- ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۸ ق). الأوائل. طنطا: دار البشیر.
- استرآبادی، علی (۱۴۰۹ ق). تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ق). جمل من انساب الأشراف. بیروت: دار الفکر.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۴۳ ق). شعب الإیمان. ریاض: مکتبه الرشد للنشر والتوزیع.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۵). پژوهشی در سیره نبوی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جلالی، سید مجتبی؛ حسن سعیدی و علی طاهری دهنوی (۱۴۰۴). «نقش آموزه محبت در روابط فی مابینی خدا و انسان از منظر قرآن». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۱۰۲.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ ق). قرب الإسناد. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- خرگوشی، عبدالملک بن محمد (۱۴۲۴ ق). شرف المصطفی. مکه: دارالبشائر الإسلامیه.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه، محقق: صبحی صالح. قم: هجرت.

بررسی راهبردهای اخلاقی رسول خدا(ص) در حکمرانی ... ♦ ۱۶۹

- شعیری، محمد بن محمد(بی تا). **جامع الأخبار**. نجف: مطبعه حیدریه.
- صباغیان، علی و همکاران(۱۳۹۶). «**نحوه تعامل رسول خدا(ص) با منافقان مدینه**». تاریخ و فرهنگ، ش ۹۸.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم(۱۳۸۳). **شرح اصول الکافی**. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طبرسی، حسن بن فضل(۱۴۱۲ ق). **مکارم الأخلاق**. قم: شریف رضی.
- طهماسبی بلداجی، اصغر(۱۴۰۳). «**رویکردی تحلیلی بر نقش خودشناسی در خودسازی بر مبنای نهج البلاغه**». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۱۰۱.
- طوسی، محمد بن الحسن(۱۴۰۷ ق). **تهذیب الأحکام**. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- عباسی، مهرباب؛ مهرداد همراهی و پری مشایخ(۱۴۰۳). «**ارائه الگوی بهسازی منابع انسانی از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه**». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۱۰۰.
- علیانسیب، سید حسین(۱۳۹۴). «**شیوه پیامبر اکرم(ص) در مدیریت روانی جامعه اسلامی**». مطالعات اسلام و روان شناسی، ش ۱۶.
- غزالی، محمد(۱۴۲۷ ق). **فقه السیره**. دمشق: دار القلم.
- فیض کاشانی، محمد محسن(۱۴۰۶ ق). **الوافی**. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی(ع).
- قلشنندی، احمد بن علی(بی تا). **صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- کراجکی، محمد بن علی(۱۳۹۴ ق). **معدن الجواهر و ریاضه الخواطر**. تهران: المکتبه المرتضویه.
- کلینی، محمد بن یعقوب(۱۴۰۷ ق). **الکافی**. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد(۱۳۸۲ ق). **شرح الکافی(الأصول و الروضه)**. تهران: المکتبه الإسلامیه.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین(۱۴۰۱ ق). **کنز العمال**. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر(۱۴۰۳ ق). **بحار الأنوار**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی(۱۳۸۴). **حکمتها و اندرزها**. تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد(۱۴۱۳ ق). **الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**. قم: کنگره شیخ مفید.
- مقدسی، مطهر بن طاهر(۱۳۷۴). **آفرینش و تاریخ**. ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی. تهران، آگه.
- مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۸۳). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهدوی فخر، زهرا و همکاران(۱۴۰۰). «**رفتارشناسی پیامبر اکرم(ص) در تعاملات اجتماعی با یهودیان مدینه**». پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ش ۲۵.

- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ ق). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ ق). **المغازی**. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- یزدان‌پناه، صادق و امیر احسانی (۱۳۹۸). «**بررسی تطبیقی راهبردهای تغییر در عصر پیامبر (ص) و دوران معاصر به منظور پیدایش ارزشها و هنجارهای اسلامی**». مدیریت اسلامی، ش ۴.
- **The Holy Quran.**
- Abbasi, Mehrab; Mehrad Hamrahi & Pari Mashayekh (2024). **"Presenting a Model for Human Resource Improvement from the Perspective of the Holy Quran and Nahj al-Balaghah"**. *Islamic University Knowledge Studies Quarterly*, No. 100. (In Persian)
- Abtahi, Seyyed Hossein (1998). **Human Resource Management**. Tehran: Payam-e Noor. (In Persian)
- Abu Hilal Askari, Hasan ibn Abd Allah (1987). **Al-Awa'il**. Tanta: Dar al-Bashir. (In Persian)
- Al-Muttaqi al-Hindi, Ali ibn Husam al-Din (1981). **Kanz al-'Ummal**. Beirut: Mu'assasat al-Risalah. (In Persian)
- Astarabadi, Ali (1988). **Ta'wil al-Ayat al-Zahirah fi Fada'il al-'Itrah al-Tahirah**. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami. (In Persian)
- Bayhaqi, Ahmad ibn al-Husayn (2021). **Shu'ab al-Iman**. Riyadh: Maktabat al-Rushd lil-Nashr wa al-Tawzi'. (In Persian)
- Baladhuri, Ahmad ibn Yahya (1996). **Jumal min Ansab al-Ashraf**. Beirut: Dar al-Fikr. (In Persian)
- Fayd al-Kashani, Muhammad Muhsin (1985). **Al-Wafi**. Isfahan: Kitabkhaneh-ye Imam Amir al-Mu'minin Ali (a.s.). (In Persian)
- Ghazali, Muhammad (2006). **Fiqh al-Sirah**. Damascus: Dar al-Qalam. (In Persian)
- Hemyari, Abd Allah ibn Ja'far (1992). **Qurb al-Isnad**. Qom: Mu'assasat Al al-Bayt. (In Persian)
- Hurr Amili, Muhammad ibn al-Hasan (1988). **Wasa'il al-Shi'ah**. Qom: Mu'assasat Al al-Bayt (a.s.). (In Persian)
- Ibn Abd al-Barr, Abu 'Umar Yusuf ibn Abd Allah (1991). **Al-Isti'ab fi Ma'rifat al-Ashab**. Beirut: Dar al-Jil. (In Persian)
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hibatullah (1983). **Sharh Nahj al-Balaghah**. Qom: Maktabat Ayatollah al-Mar'ashi al-Najafi. (In Persian)
- Ibn Athir al-Jazari, Ali ibn Abi al-Karam (1988). **Usd al-Ghabah**. Beirut: Dar al-Fikr. (In Persian)
- Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali (1992). **Man La Yahduruhu al-Faqih**. Qom: Daftar-e Intisharat-e Islami. (In Persian)
- Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali (1958). **'Uyun Akhbar al-Rida (a.s.)**. Tehran: Jahan. (In Persian)

- Ibn Hisham al-Himyari, Abd al-Malik (N.D). **Al-Sirah al-Nabawiyyah**. Beirut: Dar al-Ma'rifah. (In Persian)
- Ibn Hajar al-Asqalani, Ahmad ibn Ali (2003). **Fath al-Bari (Sharh Sahih al-Bukhari)**. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Persian)
- Ibn Hanbal al-Shaybani, Ahmad ibn Muhammad (2000). **Musnad al-Imam Ahmad ibn Hanbal**. Beirut: Mu'assasat al-Risalah. (In Persian)
- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, Muhammad ibn Ali (1959). **Manaqib Al Abi Talib (a.s.)**. Qom: 'Allamah. (In Persian)
- Ibn Shu'bah al-Harrani, Hasan ibn Ali (1983). **Tuhaf al-'Uqul 'an Al al-Rasul (s.a.w.)**. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami. (In Persian)
- Jafarian, Rasul (2006). **A Research on the Prophetic Biography (Sirah)**. Qom: Pajuhishgah-e Howzeh va Daneshgah. (In Persian)
- Jalali, Seyyed Mojtaba; Hassan Saedi & Ali Taheri Dehnavi (2025). **"The Role of the Doctrine of Love in the Mutual Relationship Between God and Man from the Perspective of the Quran"**. *Islamic University Knowledge Studies Quarterly*, No. 102. (In Persian)
- Karajaki, Muhammad ibn Ali (1984). **Ma'din al-Jawahir wa Riyadat al-Khawatir**. Tehran: Al-Maktabat al-Murtadawiyyah. (In Persian)
- Khargushi, Abd al-Malik ibn Muhammad (2003). **Sharaf al-Mustafa**. Mecca: Dar al-Basha'ir al-Islamiyyah. (In Persian)
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub (1986). **Al-Kafi**. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Persian)
- Majlisi, Muhammad Baqir (1982). **Bihar al-Anwar**. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Persian)
- Makarem Shirazi, Naser (2004). **Tafsir-e Nemuneh (Sample Interpretation)**. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Persian)
- Maqdisi, Mutahhar ibn Tahir (1995). **Creation and History (Afrinish va Tarikh)**. Translator: Mohammad Reza Shafi'i Kadkani. Tehran: Agah. (In Persian)
- Mazandarani, Muhammad Salih ibn Ahmad (1962). **Sharh al-Kafi (al-Usul wa al-Rawdah)**. Tehran: Al-Maktabat al-Islamiyyah. (In Persian)
- Motahhari, Morteza (2005). **Wisdom and Advices (Hikmatha va Andarzha)**. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad (1992). **Al-Irshad fi Ma'rifat Hujaj Allah 'ala al-'Ibad**. Qom: Kungreh-ye Shaykh al-Mufid. (In Persian)
- Nuri, Husayn ibn Muhammad Taqi (1987). **Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il**. Qom: Mu'assasat Al al-Bayt (a.s.). (In Persian)
- Qalqashandi, Ahmad ibn Ali (N.D.). **Subh al-A'sha fi Sina'at al-Insha**. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Persian)
- Sadr al-Din al-Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim (2004). **Sharh Usul al-Kafi**. Tehran: Mu'assasat-e Mutali'at va Tahqiqat-e Farhangi. (In Persian)
- Sayyid Radi, Muhammad ibn al-Husayn (1993). **Nahj al-Balaghah**. Researcher: Subhi al-Salih. Qom: Hijrat. (In Persian)
- Shu'ayri, Muhammad ibn Muhammad (N.D). **Jami' al-Akhbar**. Najaf: Matba'at Haydariyyah. (In Persian)

- Tabarsi, Hasan ibn Fadl (1991). **Makarem al-Akhlaq**. Qom: Sharif al-Radi. (In Persian)
- Tahmasebi Boldaji, Asghar (1982). "**An Analytical Approach to the Role of Self-Knowledge in Self-Refinement Based on Nahj al-Balaghah**". *Islamic University Knowledge Studies Quarterly*, No. 101. (In Persian)
- Tusi, Muhammad ibn al-Hasan (1986). **Tahdhib al-Ahkam**. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Persian)
- Waqidi, Muhammad ibn 'Umar (1988). **Al-Maghazi**. Beirut: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at. (In Persian)